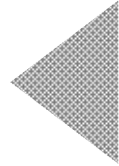


مطالعه تطبیقی اشتغال زنان و مردان در استانهای کشور با تأکید بر سرشماری های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰



قاسم علی محمدی^۱

اکبر زارع شاه آبادی^۲

(تاریخ دریافت ۹۴/۱/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۴/۵/۱۵)

چکیده

اشتغال عامل وحدت بخش و پیوند اعضای جامعه به شمار می رود و موجب استقلال فرد می شود. هدف این پژوهش مقایسه و چگونگی شاخص های اشتغال زنان و مردان در استان های کشور با تأکید بر سرشماری های ۸۵ و ۹۰ با استفاده از تحلیل ثانویه داده های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور ایران بر حسب استان ها می باشد. یافته ها و نتایج تحقیق نشان می دهد که اشتغال و مشارکت زنان و مردان در هر دوره ای متفاوت است به طوریکه همواره حاکی از پایین بودن و متفاوت بودن و دسترسی نابرابر نسبت زنان شاغل به مردان در کل کشور است. بررسی وضعیت اشتغال و مشارکت در استان های ایران بر حسب سرشماری های ۸۵ و ۹۰ نشان می دهد که بالاترین میزان مشارکت زنان در اکثر استان ها در هر دو سرشماری در حیطه کمتر از ۱۵ درصد و چند استان در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد بوده اند. در مقابل میزان مشارکت مردان در هر دو سرشماری در همه استان ها در حیطه ۴۵ درصد به بالا بوده است. بنابراین در سال ۸۵ بیشترین میزان مشارکت زنان در کشور مربوط به استان خراسان جنوبی با ۲۱.۹ درصد بوده ولی در سال

۱- کارشناس ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسؤول)، ghasem_alimohammadi@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، a_zare@yazd.ac.ir

۹۰، باز هم بیشترین درصد مربوط به مشارکت زنان همین استان بوده اما یک روند کاهشی داشته که تقریباً ۱۷.۳ درصد بوده است. در مقابل بیشترین مشارکت در بین مردان در سال ۸۵ مربوط به استان کردستان با ۶۸.۶ درصد بوده که در سال ۹۰ به ۷۰.۴ درصد رشد یافته اما جای خود را به استان بوشهر (۷۰.۹ درصد) داده است.

واژگان کلیدی: اشتغال، مشارکت، نابرابری، تحلیل ثانویه.

مقدمه و بیان مسئله

در دوره‌ها و مراحل گوناگون تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی در مغرب زمین که با انقلاب‌های فکری در آمیخته شده است، مبانی حقوق بشر در اشکال رسمی و صریح و اعلام شده، نابرابری و تبعیض جنسیتی^۱ را مردود اعلام می‌کند. در مجموعه قوانین کار و تأمین اجتماعی، نیروی کار زنان به لحاظ مشخصات ویژه‌ای که در پیوند با جنسیت و وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی شرایط احراز آن است، گاهی جدای از عناصر کلی و عمومی مورد توجه و تعریف قرار گرفته است. رفتارهای نابرابر و تبعیض‌آمیز زمانی در بازار کار ایجاد می‌شوند که در زمان انتخاب از میان افراد مختلف مثلاً برای استخدام، به ویژگی‌ها و مشخصاتی توجه می‌شود که ارتباطی با کارایی افراد ندارند (مانند مشخصات و ویژگی‌های نژادی و جنسیتی). به عنوان مثال، کارفرما برای افزایش سود خویش، ترجیحش را، که در آن استخدام کارگر مرد بر زن یا سفیدپوست بر سیاه‌پوست برتری دارد، اعمال کند. صریح و روشن است که اگر کارفرمایانی از این نوع در بازار کار زیاد باشند، این وضعیت تأثیرات زیادی در دستمزد طبقه مورد تبعیض خواهد گذاشت.

اعمال تبعیض بر گروهی از انسان‌ها به عنوان عملی غیراخلاقی در بسیاری از جوامع، عملی غیرقانونی است که با ادامه پیدا کردن فرآیند و روند تبعیض در بازار کار در بلندمدت باعث هدر رفتن نیروی انسانی زیادی می‌شود. بنابراین هنگامی می‌گوییم عمل تبعیض و نابرابری صورت گرفته که شخص مایل و حاضر باشد برای اعمال سلیقه شخصی خود، مبلغی را پردازد و یا از

درآمدی صرفنظر و کناره‌گیری کند(بکر^۱، ۱۹۵۷: ۱۴).

زنان همیشه این احساس را داشته‌اند که مردان در حق آنان ظلم کرده، حقوق انسانی‌شان را محترم نشمرده، به ارزش و منزلت انسانی آنها که هم‌پایه مردان است، وقعی ننهاده و علی-الخصوص در ادراک امور جامعه به آنان امکان مشارکت و ابراز وجود و اظهارنظر و اعمال اراده نداده‌اند و از طرف دیگر برای خود امتیازات و امکانات بیشتری قائل شده‌اند(توسلی و رفیعی-خونانی، ۱۳۸۷: ۶). در واقع اشتغال^۲ مظهر نماد و مظهر نوعی رمانتیسیم برای زنان است که گریز از خانه و مسؤولیت‌های آن را برای آنها تسریع می‌کند. در دنیای معاصر امروز، هم‌زمان با پیشرفت تکنولوژی و فناوری جدید مورد استفاده آشپزخانه و کم‌رنگ شدن آشپزی سنتی زنان، گرایش به کار و اشتغال بیرون از خانه در بین زنان افزایش یافته است.

بنابراین برای پیشرفت و توسعه هر جامعه باید به نقش و اشتغال زنان توجه شود چون هدف هر جامعه‌ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی^۳ است و رفاه اجتماعی نیز تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، رفاهی، بهداشتی و میزان فعالیت و مشارکت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردان و زنان می‌باشد. هنگامی که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و مشارکت و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، باعث افزایش یافتن رفاه اجتماعی کل جامعه و همچنین موجب افزایش خودآگاهی به حقوق خویش و استقلال فکری و در نتیجه باعث دستیابی آنان به فرصت‌ها و مزایای جدید اجتماعی و فرهنگی و استقلال مادیشان می‌شود(عزتی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۴). برعکس دسترسی محدود و نابرابر به فرصت‌ها و موقعیت‌های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم‌کاری پدیدار می‌شوند، از عمده‌ترین دلایل و علل فقر است. برای از بین بردن فقر، بیکاری و نابرابری باید هر دو جنس زن و مرد را مورد توجه قرار داد و زنان نیز در برنامه‌ریزی برای پیشرفت جامعه مورد توجه قرار گیرد.

گشایش جامعه ایران به سوی آورده‌های غرب، تحولات و دگرگونی‌های بسیاری را به بار آورد، که از مهمترین آنان حرکت زن از خانه و دستیابی وی به بازار کار و اشتغال

۱- Becker

۲- Employment

۳- Social Welfare

است (ساروخانی، ۱۳۵۷: ۳۵). بر این اساس همانطوری که در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ایران ملاحظه می‌شود تفاوت و نابرابری‌هایی در میزان مشارکت اقتصادی مردان و زنان وجود داشته، طوریکه در سرشماری سال‌های ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵ و ۹۰ به ترتیب نرخ فعالیت و مشارکت اقتصادی زنان به ترتیب ۹.۲، ۱۲.۵، ۱۲.۹، ۸.۲، ۹.۱، ۱۲.۴ و ۱۱.۴ درصد می‌باشد ولی این میزان در بین جمعیت مردان بر اساس همین سرشماری‌ها به ترتیب برابر با ۸۳.۹، ۷۷.۰، ۸۰.۸، ۶۸.۴، ۶۰.۸، ۶۵.۶ و ۶۴.۵ درصد است. ملاحظه می‌شود که با گذشت زمان از میزان نابرابری و تفاوت در میزان مشارکت زنان کاسته می‌شود ولی در سال ۹۰ باز این نابرابری در مشارکت مقداری افزایش می‌یابد.

یکی از مهمترین ویژگی‌های بازار کار، که گستره آن بر همه مناطق دنیا و در همه سطوح توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم می‌باشد، جداسازی مشاغل است. این وضعیت و وجود نابرابری و تفاوت در بازار کار که به معنای بازماندن بخش وسیع نیروهای فعال جامعه از بسیاری از مشاغل و هدر رفتن منابع انسانی است، یکی از عوامل انعطاف‌ناپذیری این بازار و ناکارایی اقتصادی آن برای تعدیل دگرگونی‌ها است. علاوه بر این، جداسازی و نابرابری مشاغل برای زنان عامل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است، زیرا این نابرابری و جداسازی بر نگرش مردان نسبت به زنان و زنان نسبت به خودشان اثرات منفی‌ای در پی دارد. تفکیک مشاغل بر اساس جنسیت به نابرابری، ناکارایی و بی‌عدالتی اجتماعی دامن می‌زند. اگر سیاست‌گذاران به برابری، کارایی و عدالت اجتماعی معتقد باشند، باید به این پدیده بازار کار توجه بیشتری داشته باشند. پس توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازار کار مناسب می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه را فراهم سازد.

جنبه‌های مختلف کار و اشتغال، اعم از نابرابری و تفاوت در کار و اشتغال، انگیزه کار و بالابردن بهره‌وری سازمان‌های کاری و ... هر کدام به نحوی مورد توجه اندیشمندان مختلف رشته‌های گوناگون قرار گرفته است. بنابراین هدف این پژوهش مقایسه و چگونگی شاخص‌های اشتغال زنان و مردان در استان‌های کشور با تأکید بر سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ می‌باشد^۱ و در این راستا در پی پاسخ دادن به پرسش اساسی این تحقیق در مورد اینکه وضعیت اشتغال زنان نسبت به مردان

۱- با توجه به اینکه در سرشماری سال ۹۰ در تقسیمات کشوری استان البرز به عنوان استان مجزا مطرح و به استان‌های ایران افزوده گردید.

استان‌ها بر اساس میزان مشارکت و بیکاری، بخش‌های عمده فعالیت و نیز بر حسب بخش عمومی و خصوصی چگونه است، پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

زنان و مردان در بازار کار از لحاظ درآمد حاصل از کار، نوع شغل و موقعیت اشتغال دارای شرایط متفاوتی می‌باشند. بنابر آنچه که آنکر (۱۹۹۸)، کار (۱۳۷۹) و نوروزی (۱۳۸۳) بیان می‌کنند، برای تبیین و تشریح وضعیت و موقعیت زنان در بازار کار و اثرات تعاملی آن و نابرابری‌ها، نظرات مختلفی از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده است که می‌توان آنها را به سه دیدگاه مشخص تئوری نئوکلاسیک، تئوری تجزیه‌شدن بازار کار^۱ و تئوری جنسیتی^۲ تقسیم کرد.

تئوری‌های نئوکلاسیک برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و اینکه چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است، می‌پردازند (کار، ۱۳۷۹: ۱۵). این تئوری از این جهت دارای اهمیت است که برخی از تفاوت‌های ناشی از بهره‌وری بین زن و مرد که موجب می‌شود درآمد مردها بیش از زن‌ها باشد را روشن می‌کند. نئوکلاسیک‌ها، قبل از هر چیز، به تفاوت‌های جنسی در عواملی که قابلیت تولید نیروی انسانی را مانند مسؤولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش، تربیت شغلی، ساعات کار، غیبت و تعویض آن شغل را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اشاره می‌کنند. آنها مطرح می‌کنند که مزد کمتر زنان به واسطه سرمایه انسانی پایین آنهاست و منظور این می‌باشد که در آموزش، آموزش حرفه‌ای و تجارب شغلی، قابلیت تولید آنها کم است (زنجان‌زاده، ۱۳۷۰: ۶). از فرض‌های اساسی در این نظریه این است که زنان و مردان در استفاده و بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی برابری دارند و بر مبنای یکسانی در بازار کار رقابت می‌کنند. در این فرض، تقسیم بازار کار بر مبنای جنسیت، که نمی‌توان به سادگی آن را با تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه انسانی تبیین و تشریح کرد، نادیده انگاشته می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۶۸). نئوکلاسیک‌ها معتقدند که سیاست‌گذاران برای کاهش تبعیض، باید به متغیرهایی غیر از متغیرهای بازار کار توجه کنند و برای آموزش زنان، ایجاد مهارت در شغل‌های غیرسنتی برای آنان، تنظیم خانواده، افزایش

۱- Segmentation of Labour Market Theory

۲- Gender (Feminist) Theory

مسئولیت مردان، سهم برابر زنان و مردان در نگاه‌داری و تربیت کودک و کارهای خانگی سیاست‌گذاری کنند؛ همچنین با سازماندهی مجدد زمان کار، ممنوعیت و عدم دسترسی اشتغال زنان در برخی مشاغل را از قانون کار حذف کنند (ابونوری و غلامی، ۱۳۸۸: ۳۳).

یکی از مشهورترین و معروف‌ترین تئوری‌های تجزیه شدن بازارکار، نظریه بازار کار دوگانه^۱ است که مشاغل را به دو نوع متمایز و متفاوت تقسیم می‌کند. در بخش اولیه، خصوصیات کار شامل شرایط کاری خوب و مناسب، حقوق و دستمزد زیاد، فرصت‌هایی برای پیشرفت در امور کاری، و مهمتر از همه شرایط دیگر، ثبات شغلی در آن است. در بخش ثانویه کارگران در همه جنبه‌ها وضعیتشان بدتر و وخیم‌تر است از جمله عدم ثبات شغلی، مزد پایین و شرایط و موقعیت بدکاری (کازمی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۸). در مشاغل گروه اول ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد. جابجایی که در کار زنان دیده می‌شود احتمال جذب آنها به مشاغل گروه دوم را بیشتر می‌کند (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶: ۱۱). بنابراین حتی اگر کیفیات قبل از ورود به شغل برابر مساوی باشد، احتمال به کار گماردن مردها در مشاغل بخش اولیه، که امکان پیشرفت و ترقی در آنها از لحاظ مزد، آموزش حرفه‌ای و ترفیع زیادتر است، بیش از زن‌هاست.

نظریه بازار کار دوگانه به تبیین و تشریح چگونگی توزیع مشاغل بین زنان و مردان کمک می‌کند، اما اینکه چگونه این مشاغل در درون بخش‌های اول و دوم بر مبنای جنسیت، جداسازی می‌شود را روشن نمی‌سازد. برخی از مشاغل مردان و همچنین برخی از مشاغل زنان، مانند پرستاری و مهندسی، نیاز به دوره آموزشی طولانی‌مدت دارند. برخی از مشاغل زنانه مانند مدیریت امور دفتری نیز نیازمند گذراندن آموزش‌های خاصی در مؤسسه است. در عین حال، برخی از مشاغل مردانه مانند رانندگی یا سرایداری، مهارت‌های نسبتاً کمتری لازم دارند و ثبات شغل در آنها عامل مهمی محسوب نمی‌شود (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۶۸).

طرفداران نظریه جنسیتی معتقدند که موقعیت زنان در خانه و خانواده، جزئی از سیستم کل اجتماعی است که آنان را تابع مردان ساخته است (کار، ۱۳۷۹: ۲۴). از زمانی که مردان وارد بازار کار می‌شوند، معمولاً تا هنگام بازنشستگی در نیروی کار باقی می‌مانند و مشارکت و فعالیت آنان تحت تأثیر مراحل سیکل زندگی، مثل سطوح آموزشی، وضعیت خانوادگی (تجرد، تأهل،

طلاق، داشتن یا نداشتن فرزند) و محل اقامت (شهری یا روستایی) نیست، در صورتی که مشارکت زنان ناپیوسته است. آنها بارها در طول زندگی‌شان وارد بازار کار می‌شوند و الگوی مشارکت‌شان تحت تأثیر تغییرات زندگی مانند وضعیت تأهل، تعداد بچه و ... است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۸). موضوع کلیدی در نظریه‌های جنسیت، اختصاص کار خانگی (علی‌الخصوص مراقبت کودک) به زن‌هاست (کار، ۱۳۷۹: ۲۴). وجود خصوصیات و ویژگی‌هایی نظیر دست‌ورپذیری بیشتر، شکایت کمتر از کار، علاقه بیشتر به کارهای تکراری و نیاز کمتر به درآمد در زنان، منجر به اختصاص کارهایی با درآمد کمتر، مهارت پایین‌تر و نیز تأمین اجتماعی و پیشرفت کمتر به آنان می‌شود. از جمله مباحثی که طرفداران نظریه جنسیتی مطرح می‌کنند، مسأله مزاحمت‌های جنسی^۱ است. این مسئله به عنوان یک عامل کلیدی تغییر شغل سریع نزد کارکنان زن است. در واقع زنی که بخواهد از چنین موقعیتی رهایی یابد، باید شغل خود را ترک کند. فارلی معتقد است هر چند تفکیک شغل بر حسب جنس تا اندازه‌ای نتیجه مزاحمت است، یگانگی زن در مشاغل مردانه نیز اغلب به همین علت با مخالفت روبرو می‌شود (فارلی^۲، ۱۹۷۸). به نظر می‌رسد که مزاحمت‌های جنسی علی‌رغم سنت‌های متفاوت در سراسر جهان وجود داشته باشد. مطالعات دفتر بین‌المللی کار به مسائل جنسی در محیط کار اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این مسائل باعث محدودیت امکانات شغلی زنان می‌شود (آنکر و هین^۳، ۱۹۸۵). نظریات مطرح شده از دیدگاه طرفداران نظریه جنسیتی نشان می‌دهند که چگونه موقعیت زنان در بازار کار بخشی از سیستم جامع اجتماعی است که زن در آن مقام پایین‌تری دارد (ورزگر و عزیزبابایی، ۱۳۷۶: ۲۲۵). هر چند این نظریات، استحکام نظریات نئوکلاسیک و تجزیه شدن بازار کار را ندارند اما همچنان دارای اهمیت می‌باشند زیرا موجب می‌شوند درباره ریشه‌های عمیق اجتماعی نابرابری جنسی در بازار کار به تأمل و تعمق پرداخته و بر این اساس با این تفاسیر به مطالعه تطبیقی وضعیت اشتغال مردان و زنان در استان‌های ایران بر اساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۸۵ و ۹۰ پرداخته می‌شود.

۱- Sexual Harassment

۲- Farley

۳- Anker & Hein

پیشینه پژوهش

مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی

در پژوهشی، عباسیان و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی مشارکت اقتصادی، اشتغال و بیکاری زنان سیستان و بلوچستان در دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۵ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت نسبی طی دهه‌های گذشته، میزان فعالیت و اشتغال زنان در استان نسبت به مردان استان و زنان استان‌های دیگر پایین‌تر است. این حقیقت که میزان فعالیت زنان برای مدت چهل سال بدون تغییر مانده است، نیاز به توجه جدی دارد و با این وجود، هنوز به دلایل زیادی به اهمیت و لزوم شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت مستقیم در تولید ملی توجه شایسته‌ای نشده است.

نوروزی (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی ابعاد جنسیتی ساختار شغلی از نظر تنوع شغلی، ارتقای شغلی و درآمد حاصل از کار در ایران با استفاده از روش توصیفی پرداخته و طبق تحلیل‌های آماری نتایج سرشماری ۱۳۷۵ و آمارگیری هزینه و درآمد خانوار ۱۳۷۹ و آمارگیری اشتغال و بیکاری ۱۳۸۲، نشان می‌دهد که تنوع شغلی و فرصت‌های ارتقای شغلی برای زنان ایرانی محدود است. علاوه بر این، درآمد حاصل از کار زنان، حتی در سطوح تحصیلی برابر با مردان، به مراتب کمتر است. تفاوت‌های درآمدی در روستاها و در سطوح تحصیلی پایین بیشتر است. در مناطق روستایی و شهری به ترتیب متوسط درآمد سالانه مردان $\frac{2}{2}$ و $\frac{8}{1}$ برابر درآمد زنان است. در نتیجه، در ساعات کار مساوی، مردان شهری ۶۳ درصد بیشتر از زنان شهری درآمد کسب می‌کنند.

فرجادی و فلیحی (۱۳۷۷) با استفاده از روش اقتصادسنجی، نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان را برآورد کرده‌اند. در این الگو، نرخ مشارکت تابعی از نرخ بیکاری، پوشش تحصیلی، تورم، دارندگان مدارک دانشگاهی، شاغلان بخش‌های مختلف اقتصادی و تولید ناخالص داخلی سرانه در نظر گرفته شده است.

شهریاری (۱۳۷۷) نگرش مردان به اشتغال زنان را تابع پایگاه اجتماعی آنان می‌داند، به طوریکه با ارتقاء پایگاه اجتماعی آنان، نگرش آنان هم نسبت به اشتغال زنان مثبت‌تر می‌شود.

سفیری (۱۳۷۷) بیان می‌دارد قوانین رسمی و قواعد اجتماعی مرتبط با حقوق و وظایف اجتماعی و فردی زنان نیز بر میزان مشارکت اقتصادی آنها اثر می‌گذارد. در این مورد اگر حقوق زنان در

قبال مالکیت اموال، تقسیم ارث، تعیین همسر، تصمیم‌گیری در خانواده و انتخاب شغل، قوانین مرتبط با اشتغال زنان در جامعه و سیاست‌های دولتی موافق با گسترش اشتغال زنان باشد، تسهیلات لازم در به کارگیری زنان در مشاغل مهیا می‌شوند. تبعیض در انتخاب کارکنان بر اساس جنس، اگر به نفع مردان باشد، موجب کاهش مشارکت زنان می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از عوامل پایین بودن میزان مشارکت زنان در نیروی کار در ایران، ترجیح در انتخاب کارکنان مرد از سوی کارفرمایان باشد.

رجبی (۱۳۷۴) در بررسی تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستایی نشان داده است که ورود تکنولوژی به مناطق روستایی باعث بیکاری و کم‌کاری زنان روستایی شده است. در اقتصاد آزاد، در مرحله صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی، در فعالیت اقتصادی زنان و مردان افتراق ایجاد می‌شود. این امر موجب می‌شود که مشاغل به درجه اول و درجه دوم تقسیم و شانس مردان برای دستیابی به شغل نسبت به زنان بیشتر شود.

بیلینگ^۱ و آلوسن^۲ با در نظر گرفتن نتایج تحقیقات متعدد، معتقدند که بین زنان و مردان از نظر استعداد و مهارت شخصی اختلافات مشخصی وجود ندارد، ولی در نحوه استفاده آنها از استعداد و مهارت خود در شغل تفاوت دارد (جزنی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳).

در ایالات متحده آمریکا «دیوید هیر» روی روابط بین کار زن و قدرت بدون توجه به شخصیت‌های متفاوت شوهران و زنان شاغل و خانه‌دار، مطالعه‌ای به عمل آورده و به این نتیجه رسیده است که خصوصیت مسلط در خارج از محدوده خانواده که برای وی در منزل ایجاد قدرت می‌کند، در مورد زن شاغل صادق نیست. در (آلمان) لاموزه، (لهستان) پیوتروفسکی، (انگلستان) یونک و یلموت مشاهده کرده‌اند که شغل زن باعث مشارکت بیشتر مرد در کارهای منزل می‌شود (ذاکر، ۱۳۸۶: ۲۶).

مقاله روند جهانی اشتغال زنان برگرفته از سازمان بین‌المللی کار^۳ (۲۰۰۸) بیان می‌دارد: طی سال ۲۰۰۸ زنان بیشتری وارد بازار کار می‌شوند، اما بیش از نیمی از آنان در مشاغل

۱- Billing

۲- Alvesson

۳- International Labour Office (ILO)

آسیب‌پذیر مشغول به کارند. طبق گزارش سازمان جهانی کار که به مناسبت روز زن منتشر شده است، تعداد زنان شاغل نسبت به قبل بیشتر شده است، اما آنان بیش از مردان در مشاغل کم‌دستمزد و آسیب‌پذیر مشغول به کارند بدون آنکه از حمایت اجتماعی، حقوقی ابتدایی در محل کار برخوردار باشند (ww.ilo.org).

مک پرسون^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی به سیر مشارکت نیروی کار در کشور نیوزلند پرداخته است. این پژوهش درباره سه گروه سنی ۲۵-۴۴ ساله، ۴۵-۶۴ ساله و ۶۵-۸۴ ساله صورت گرفته است. در بخشی از این تحقیق، مشارکت نیروی کار در مشاغل پاره‌وقت و تمام‌وقت مقایسه شده و این نتیجه به دست آمده که جز گروه سنی ۲۵-۴۴ ساله برای زنان، در دیگر گروه‌های سنی، مشارکت مردان و زنان در کارهای پاره‌وقت افزایش یافته است. یکی از دلایل افزایش مشاغل پاره‌وقت در بین جوانان، تمایل بیشتر آنان به ادامه تحصیل است.

کالان^۲ (۱۹۹۱) به بررسی عرضه نیروی کار زنان و عدم تساوی درآمد زنان و مردان در ایرلند پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که با وجود افزایش سریع میزان مشارکت زنان، درآمدهای آنان در سال ۱۹۹۴ همچنان تنها پانزده درصد از کل درآمد خانوار را تشکیل می‌داده است.

کلارک^۳ و آنکر^۴ (۱۹۹۰) نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان مسن را در سطح بین‌المللی بررسی کرده‌اند. آنان با توجه به آثار جانشینی و درآمدی مطرح می‌کنند که افزایش درآمد سرانه می‌تواند منجر به کاهش نرخ مشارکت افراد مسن شود. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان مسن با تغییر روند توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد. همچنین متغیرهای جمعیتی و سیاسی نیز می‌توانند در نرخ مشارکت نیروی کار مسن تأثیر داشته باشند، به طوری که با گسترش طرح‌های تأمین اجتماعی، مشارکت این گروه سنی کاهش می‌یابد.

۱- Mcpherson

۲- Calan

۳- Clark

۴- Anker

روش تحقیق

روش مورد بررسی در این پژوهش، استفاده از تحلیل ثانویه^۱ داده‌های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور ایران برحسب استان‌ها در سال‌های ۸۵ و ۹۰ می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش زنان و مردان شاغل استان‌های کشور با تأکید بر داده‌های سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ می‌باشند که به چهار دسته در حیطه کمتر از ۱۵ درصد، بین ۱۵ تا ۳۰ درصد، ۳۰ تا ۴۵ درصد و ۴۵ درصد به بالا برای شناخت بیشتر تفکیک شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

میزان مشارکت و میزان بیکاری در استان‌های کشور

جدول (۱) میزان مشارکت و میزان بیکاری زنان و مردان استان‌های کشور را بر حسب سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که میزان مشارکت اقتصادی زنان در سال ۸۵ و ۹۰ در اکثر استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ درصد قرار گرفته‌اند و فقط تعداد محدودی از استان‌های کشور دارای مشارکت ۱۵ تا ۳۰ درصد می‌باشند. بطوریکه بیشترین میزان مشارکت زنان در سال ۸۵ مربوط به استان خراسان جنوبی (۲۱.۹ درصد) بوده که در سال ۹۰ نیز دارای بیشترین درصد مشارکت زنان (۱۷.۳ درصد) می‌باشد، اما نسبت به سال ۸۵ یک روند کاهشی را طی نموده است. کمترین میزان مشارکت اقتصادی زنان در سال ۸۵ متعلق به استان خوزستان (۸ درصد) بوده که در سال ۹۰ میزان مشارکت زنان افزایش یافته (۸.۸ درصد) و جای خود را به استان قم (۷ درصد) داده است و میزان مشارکت زنان در دو سرشماری بالای ۳۰ درصد نبوده است. در حالی که میزان مشارکت اقتصادی مردان در هر دو سرشماری ۸۵ و ۹۰ در همه استان‌ها در حیطه ۴۵ درصد و بیشتر قرار گرفته‌اند. بطوری که بیشترین میزان مشارکت مردان در سال ۸۵ مربوط به استان کردستان (۶۸.۶ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند افزایشی پیدا کرده (۷۰.۴ درصد) اما جای خود را در سال ۹۰ به استان بوشهر (۷۰.۹ درصد) داده است. کمترین میزان مشارکت اقتصادی مردان در سال ۸۵ متعلق به استان کهگیلویه و بویراحمد (۵۵.۵ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند افزایشی یافته (۵۹.۱ درصد) اما جای خود را در سال ۹۰ به استان سیستان و-

بلوچستان (۵۰.۳ درصد) داده است.

جدول (۱) نشان می‌دهد بیشترین میزان بیکاری زنان در استان‌های کشور در هر دو سرشماری در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و تعداد کمی از استان‌ها از لحاظ بیکاری در حیطه دیگر قرار گرفته‌اند و فقط در سال ۹۰ در حیطه بالاتر از ۴۵ درصد قرار نگرفته‌اند. اما در این بین کمترین میزان بیکاری زنان در سرشماری ۸۵ مربوط به استان خراسان شمالی (۱۲ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند افزایشی پیدا کرده (۱۷.۲ درصد)، و جای خود را به استان خراسان جنوبی (۱۱ درصد) داده است. در حالیکه در سال ۸۵ بیشترین میزان بیکاری زنان مربوط به استان لرستان (۵۷.۶ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند افزایشی پیدا کرده (۳۷.۸ درصد) اما در این سال جای خود را به استان کرمانشاه (۳۸.۶ درصد) داده است. در حالیکه میزان بیکاری مردان بر اساس دو سرشماری، اکثریت استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ درصد و استان‌های محدودی در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و هیچ یک از استان‌ها در این میزان بالای ۳۰ درصد قرار نگرفته‌اند؛ بطوریکه بیشترین میزان بیکاری مردان در سال ۸۵ مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۲۹.۵ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی پیدا کرده اما باز هم دارای بیشترین میزان بیکاری مردان (۲۸.۷ درصد) بوده است. در حالیکه کمترین میزان بیکاری مردان در سال ۸۵ مربوط به استان یزد (۵.۵ درصد) بوده اما در سال ۹۰ یک روند افزایشی یافته (۷ درصد) اما جای خود را به استان خراسان جنوبی (۵.۶ درصد) داده است.

جدول (۱)- میزان مشارکت اقتصادی و میزان بیکاری بر حسب جنس در استان‌های کشور

کمتر از ۵ درصد	۳۰ تا ۵۰ درصد	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	۴۵ درصد به بالا		
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان	ایلام، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، کرمان، گلستان، گیلان، یزد			سورشماری ۱۳۸۵	میزان مشارکت اقتصادی زنان
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	ایلام، خراسان جنوبی			سورشماری ۱۳۹۰	میزان مشارکت اقتصادی زنان
خراسان شمالی، قم	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی، همدان، یزد	چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد	ایلام، کرمانشاه، لرستان	سورشماری ۱۳۸۵	میزان بیکاری زنان

کمتر از ۱۵ درصد	۳۰ تا ۳۵ درصد	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	۴۵ درصد به بالا		
خراسان جنوبی	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان		سرشماری ۱۳۹۰	
		آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد		سرشماری ۱۳۸۵	میزان مشارکت اقتصادی مردان
		آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد		سرشماری ۱۳۹۰	

کمتر از ۱۵ درصد	۳۰ تا ۴۵ درصد	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	۴۵ درصد به بالا	سرشماری ۱۳۸۵	میزان یکجاری بودن
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	خوزستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، کرمان، کردستان، سیستان و بلوچستان			سرشماری ۱۳۹۰	
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان				

منبع: (پردازش بر اساس سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

میزان شاغلین در بخش‌های عمده فعالیت

جدول (۲) میزان اشتغال زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی در استان‌های کشور را بر حسب سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که میزان اشتغال زنان در بخش کشاورزی در سال ۸۵ در حیطه‌های کمتر از ۴۵ درصد و اکثریت در حیطه‌های صفر تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند اما در حیطه ۴۵ درصد به بالا قرار نگرفته‌اند. اگر چه همین بخش برای زنان در سال ۹۰ در همه حیطه‌ها پخش شده‌اند که بیشترین تمرکز بین حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد بوده است، بطوریکه بیشترین میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان اردبیل (۴۴.۱ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۳۸.۹ درصد)، و جای خود را به استان لرستان (۴۵.۱ درصد) داده است، در حالی که کمترین میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان سیستان و بلوچستان (۳.۶ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند افزایشی طی

نموده (۳۴.۴ درصد)، و جای خود را به استان تهران (۱.۶ درصد) داده است. در بخش صنعت میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در تمام حیطه‌ها وجود دارد اما بیشترین تمرکز اشتغال آنان در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد بوده که در سال ۹۰ اشتغال زنان بین حیطه‌های صفر تا ۴۵ درصد پراکنده شده و هیچ استانی در این بخش بالاتر از ۴۵ درصد قرار نگرفته است و بیشترین تمرکز در حیطه کمتر از ۱۵ درصد و سپس ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند، به طوری که بیشترین میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان آذربایجان شرقی (۴۷.۵ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۳۶.۷ درصد) و باز بیشترین اشتغال در این بخش را به خود اختصاص داده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان کرمانشاه (۹.۸ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۶.۵ درصد)، و جای خود را به استان‌های ایلام و لرستان (۴.۸ درصد) داده است. در بخش خدمات میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ و ۹۰ در حیطه‌های ۳۰ تا ۴۵ درصد و ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند اما بیشترین تمرکز اشتغال آنان در این دو حیطه مربوط به حیطه ۴۵ درصد به بالا بوده و هیچ استانی در این بخش، در دو حیطه کمتر از ۱۵ درصد و ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار نگرفته‌اند، بطوریکه بیشترین میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان تهران (۷۵.۹ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند افزایشی را طی نموده (۷۷ درصد)، که باز بیشترین اشتغال زنان در این بخش را به خود اختصاص داده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان خراسان شمالی (۲۹.۸ درصد) بوده و در سال ۹۰ یک روند افزایشی را طی نموده (۴۴.۱ درصد)، و جای خود را به استان خراسان جنوبی (۳۷.۳ درصد) داده است.

جدول (۲) - میزان اشتغال زنان با توجه به بخش‌های مختلف اقتصادی در استان‌های کشور

میزان اشتغال زنان در بخش‌های اقتصادی	کشاورزی		صنعت		میزان اشتغال زنان در بخش‌های اقتصادی
	سرشماری ۱۳۸۵	سرشماری ۱۳۹۰	سرشماری ۱۳۸۵	سرشماری ۱۳۹۰	
	کمتر از ۱۵ درصد	بین ۱۵ تا ۳۰ درصد	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	۴۵ درصد به بالا	
	آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کرمان، مرکزی، یزد	آذربایجان غربی، ایلام، خراسان رضوی، زنجان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، هرمزگان، همدان	اردبیل، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، کردستان، گلستان		
	اصفهان، البرز، تهران، قم	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، گلستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	اردبیل، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان	ایلام، لرستان	
	ایلام، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، هرمزگان، همدان	آذربایجان غربی، اردبیل، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سمنان، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، مرکزی	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، قم، گلستان، یزد	آذربایجان شرقی، زنجان	
	اردبیل، ایلام، بوشهر، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، هرمزگان، همدان	آذربایجان غربی، اصفهان، البرز، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، رضوی، خراسان رضوی، زنجان، قم، گلستان، مرکزی، یزد	آذربایجان شرقی		
	اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران،	آذربایجان شرقی، اردبیل،			
خدمات	سرشماری ۱۳۸۵	سرشماری ۱۳۹۰			

۴۵ درصد به بالا	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	بین ۱۵ تا ۳۰ درصد	کمتر از ۱۵ درصد			
<p>چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد</p>	<p>خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، کردستان، گلستان</p>					
<p>آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد</p>	<p>آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی</p>			سرشماری ۱۳۹۰		
			<p>آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان،</p>	سرشماری ۱۳۸۵	طبقه‌بندی نشده	

کمتر از ۱۵ درصد	بین ۱۵ تا ۳۰ درصد	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	۴۵ درصد به بالا
کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد			
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد			

سرشماری ۱۳۹۰

منبع: پردازش بر اساس سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

جدول (۳) میزان اشتغال مردان در بخش‌های مختلف اقتصادی در استان‌های کشور را بر حسب سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که میزان اشتغال مردان در بخش کشاورزی در سال ۸۵ و ۹۰، اکثر استان‌ها در حیطه بین ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و فقط تعداد محدودی از استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ و حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار گرفته‌اند اما در حیطه ۴۵ درصد به بالا هیچ استانی قرار نگرفته است. در سال ۸۵ بیشترین میزان اشتغال مردان در این بخش متعلق به استان خراسان شمالی (۳۷.۲ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۳۰.۲ درصد)، و جای خود را به استان کرمان (۳۵.۶ درصد) داده است، در حالی که کمترین میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان تهران (۲.۶ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده، اما باز هم استان تهران (۲.۳ درصد) دارای کمترین

میزان اشتغال مردان در بخش کشاورزی در سال ۹۰ بوده است.

در بخش صنعت میزان اشتغال مردان در حیطه های ۱۵ تا ۳۰ درصد و ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار گرفته، اما بیشترین تمرکز اشتغال آنان در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد بوده و هیچ استانی در این بخش، کمتر از ۱۵ درصد و بالاتر از ۴۵ درصد قرار نگرفته است. بطوریکه بیشترین میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان یزد (۴۳ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۴۱٫۷ درصد) که باز بیشترین اشتغال در این بخش را به خود اختصاص داده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان خراسان جنوبی (۲۲٫۸ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۲۱٫۸ درصد)، و جای خود را به سیستان و بلوچستان (۱۷ درصد) داده است.

در بخش خدمات میزان اشتغال مردان در حیطه های ۳۰ تا ۴۵ درصد و ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته اند اما بیشترین تمرکز اشتغال آنان در این دو حیطه مربوط به حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد بوده و هیچ استانی در این بخش، در دو حیطه کمتر از ۱۵ درصد و ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار نگرفته است. بطوریکه بیشترین میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان بوشهر (۵۳٫۷ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده (۴۳٫۷ درصد)، و جای خود را به استان تهران (۵۸ درصد) داده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ در این بخش متعلق به استان خراسان شمالی (۳۲٫۵ درصد) بوده که در سال ۹۰ یک روند کاهشی طی نموده اما باز هم استان خراسان شمالی (۳۱٫۶ درصد) دارای کمترین میزان اشتغال مردان در بخش خدمات در سال ۹۰ بوده است.

جدول (۳)- میزان اشتغال مردان با توجه به بخش‌های مختلف اقتصادی در استان‌های کشور

میزان اشتغال مردان در بخش‌های اقتصادی	کشاورزی	کمتراز ۱۵ درصد	بین ۱۵ تا ۳۰ درصد	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	۴۵ درصد به بالا
		سروشماری ۱۳۸۵	اصفهان، بوشهر، تهران، قم، یزد	آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان	آذربایجان غربی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، کرمان، گلستان
سروشماری ۱۳۹۰	اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، قم، یزد	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان	خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، کرمان، لرستان		
سروشماری ۱۳۸۵	اصفهان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، قزوین، قم، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران، مرکزی، همدان، یزد	آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، کرمان، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان، هرمزگان	آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، تهران، بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، قزوین، قم، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران، مرکزی، همدان، یزد		
سروشماری ۱۳۹۰	اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، قزوین، قم، گلستان، مرکزی، همدان، یزد	آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، خراسان جنوبی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان	آذربایجان شرقی، اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، قزوین، قم، گلستان، مرکزی، همدان، یزد		
صنعت					

۴۵ درصد به بالا	۳۰ درصد تا ۴۵ درصد	بین ۱۵ تا ۳۰ درصد	کمتر از ۱۵ درصد			
ایلام، بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، هرمزگان	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، قزوین، کردستان، کرمان، گلستان، لرستان، مرکزی، همدان، یزد			سرشماری ۱۳۸۵	خدمات	
البرز، تهران، قم، کرمانشاه، هرمزگان	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، همدان، یزد			سرشماری ۱۳۹۰		
			آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	سرشماری ۱۳۸۵	طبقه‌بندی نشده	
			آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد	سرشماری ۱۳۹۰		

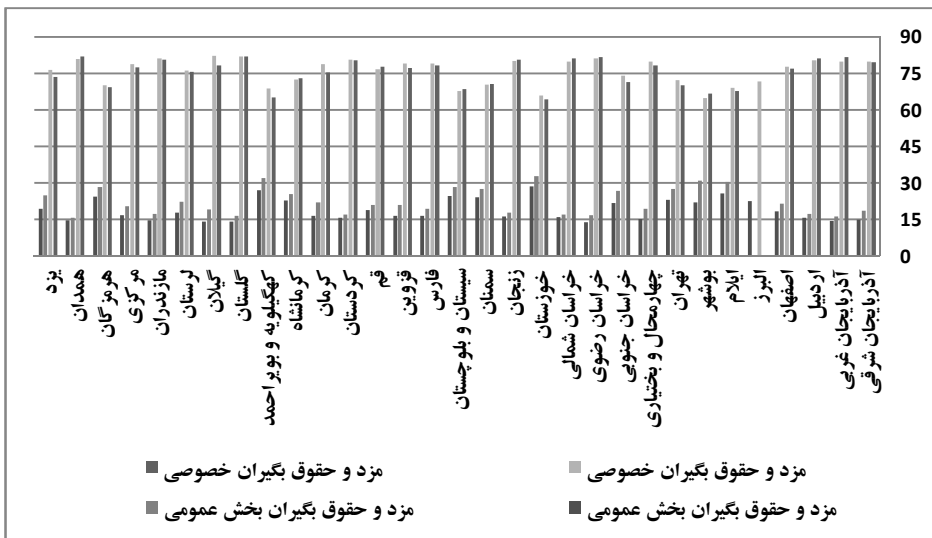
منبع: پردازش بر اساس سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

توزیع شاغلین به تفکیک جنس در بخش‌های عمومی و تخصصی

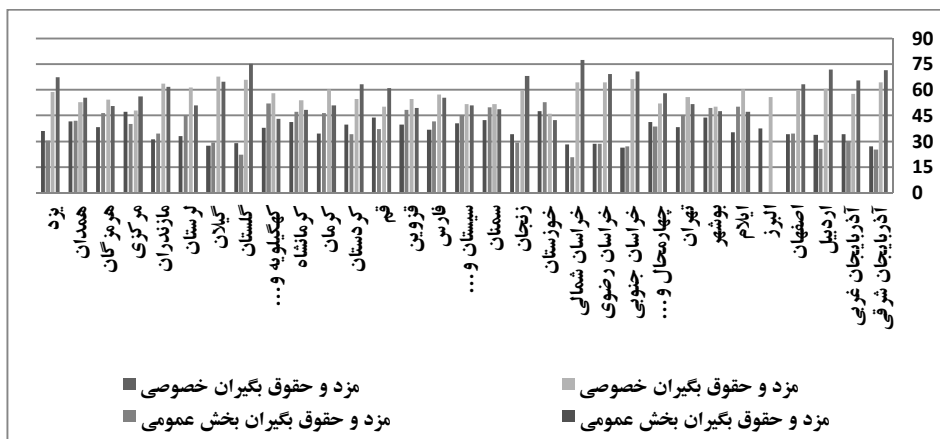
نمودار ۱ و ۲ توزیع شاغلین مرد و زن را در بخش‌های خصوصی و عمومی در سال ۸۵ و ۹۰ بر حسب استان‌های کشور نشان می‌دهد. در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که میزان اشتغال مردان در بخش خصوصی در سال ۸۵ و ۹۰ در حیطه بالای ۴۵ درصد قرار دارند و هیچیک از استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ درصد، ۱۵ تا ۳۰ درصد و ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار نگرفته‌اند. نمودار ۱ نشان می‌دهد که بیشترین میزان اشتغال مردان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان همدان (۸۲.۱ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند کاهشی همراه بوده (۸۰.۹ درصد) و جای خود را از این لحاظ به استان گیلان (۸۲.۳ درصد) داده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال مردان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان خوزستان (۶۴.۶ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند افزایشی همراه بوده (۶۶ درصد) و جای خود را از این لحاظ به استان بوشهر (۶۵ درصد) داده است. در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود که میزان اشتغال زنان در بخش خصوصی در سال ۸۵ در اکثر استانها در حیطه ۴۵ درصد به بالا هستند و فقط استان‌های خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد هستند و هیچ استانی در محدوده کمتر از ۱۵ درصد و ۱۵ تا ۳۰ درصد نیستند. اما همین میزان مربوط به بخش خصوصی در زنان در سال ۹۰، همه استان‌ها در حیطه ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند. نمودار ۲ نشان می‌دهد که بیشترین میزان اشتغال زنان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان خراسان شمالی (۷۷.۴ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند کاهشی همراه بوده (۶۴.۴ درصد) و جای خود را از این لحاظ به استان گیلان (۶۷.۸ درصد) داده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال زنان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان خوزستان (۴۲.۲ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند افزایشی همراه بوده اما باز هم استان خوزستان (۴۶.۱ درصد) دارای کمترین میزان اشتغال زنان در بخش خصوصی در سال ۹۰ بوده است. در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که میزان اشتغال مردان در بخش عمومی در سال ۸۵ و ۹۰ در اکثریت استان‌ها در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و در سال ۸۵ فقط چهار استان ایلام، بوشهر، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد؛ و در سال ۹۰ فقط شش استان آذربایجان غربی، خراسان رضوی، گلستان، گیلان، مازندران و همدان قرار گرفته‌اند. نمودار ۱ نشان می‌دهد که بیشترین میزان اشتغال مردان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان خوزستان (۳۳ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند کاهشی همراه بوده اما باز هم استان خوزستان (۲۸.۸ درصد) دارای

بیشترین میزان اشتغال مردان در این بخش در سال ۹۰ بوده است. در حالی که کمترین میزان اشتغال مردان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان همدان (۱۵.۹ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند کاهشی همراه بوده (۱۴.۹ درصد) و جای خود را از این لحاظ به استان خراسان-رضوی (۱۴ درصد) داده است. در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود که میزان اشتغال زنان در بخش عمومی در سال ۸۵ در حیطه‌های ۱۵ تا ۳۰ درصد، ۳۰ تا ۴۵ درصد و بیشتر از ۴۵ درصد پراکنده شده‌اند و هیچ استانی در محدوده کمتر از ۱۵ درصد نیستند. اما همین میزان مربوط به بخش عمومی در زنان در سال ۹۰، بیشتر استان‌ها در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد، و هشت استان در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد و دو استان خوزستان و مرکزی در حیطه ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند و هیچ استانی در حیطه کمتر از ۱۵ درصد قرار نگرفته است. نمودار ۲ نشان می‌دهد که بیشترین میزان اشتغال زنان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان خوزستان (۵۳ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند کاهشی همراه بوده اما باز هم استان خوزستان (۴۷.۷ درصد) دارای بیشترین میزان اشتغال در این بخش بوده است. در حالیکه کمترین میزان اشتغال زنان در این بخش در سال ۸۵ مربوط به استان خراسان شمالی (۲۰.۷ درصد) بوده که در سال ۹۰ با یک روند افزایشی (۲۸.۳ درصد) همراه بوده که جای خود را به استان خراسان جنوبی (۲۶.۲ درصد) داده است.

نمودار (۱)- میزان شاغلین مردان استان‌های کشور به تفکیک بخش‌های عمومی و خصوصی



نمودار(۲)- میزان شاغلین زنان استان‌های کشور به تفکیک بخش‌های عمومی و خصوصی



* در نمودارهای ۱ و ۲ میزان شاغلین اظهار نشده در بخش‌های عمومی و خصوصی مردان و زنان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ حذف شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه و چگونگی شاخص‌های اشتغال زنان و مردان در استان‌های کشور با تأکید بر سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ می‌باشد و در این راستا در پی یافتن این بوده که وضعیت اشتغال زنان نسبت به مردان استان‌ها بر اساس میزان مشارکت و بیکاری، بخش‌های عمده فعالیت و نیز بر حسب بخش عمومی و خصوصی چگونه است. نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن همواره حاکی از پایین بودن و متفاوت بودن و دسترسی نابرابر نسبت زنان شاغل به مردان در کل کشور است. همانطور که ملاحظه می‌شود:

میزان مشارکت اقتصادی زنان در سال ۸۵ و ۹۰ در اکثر استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ درصد قرار گرفته‌اند و فقط تعداد محدودی از استان‌های کشور دارای مشارکت ۱۵ تا ۳۰ درصد می‌باشند، در حالی که میزان مشارکت اقتصادی مردان در هر دو سرشماری ۸۵ و ۹۰ در همه استان‌ها در حیطه ۴۵ درصد و بیشتر قرار گرفته‌اند.

بیشترین میزان بیکاری زنان در استان‌های کشور در هر دو سرشماری در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و تعداد کمی از استان‌ها، از لحاظ بیکاری در حیطه دیگر قرار گرفته‌اند و فقط در

سال ۹۰ در حیطه بالاتر از ۴۵ درصد قرار گرفته‌اند. در حالیکه میزان بیکاری مردان براساس دو سرشماری، اکثریت استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ درصد و استان‌های محدودی در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و هیچ یک از استان‌ها در این میزان بالای ۳۰ درصد قرار نگرفته‌اند. میزان اشتغال زنان در بخش کشاورزی در سال ۸۵ در حیطه‌های کمتر از ۴۵ درصد و اکثریت در حیطه‌های صفر تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند، ولی در حیطه ۴۵ درصد به بالا قرار نگرفته‌اند. اما همین بخش برای زنان در سال ۹۰ در همه حیطه‌ها پخش شده‌اند که بیشترین تمرکز بین حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد بوده است. در مقابل میزان اشتغال مردان در بخش کشاورزی در سال ۸۵ و ۹۰، اکثر استان‌ها در حیطه بین ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند و فقط تعداد محدودی از استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ و حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار گرفته‌اند، ولی در حیطه ۴۵ درصد به بالا هیچ استانی قرار نگرفته است.

در بخش صنعت میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ در تمام حیطه‌ها وجود دارد اما بیشترین تمرکز اشتغال آنان در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد بوده اما در سال ۹۰ اشتغال زنان بین حیطه‌های صفر تا ۴۵ درصد پراکنده شده و هیچ استانی در این بخش بالاتر از ۴۵ درصد قرار نگرفته است و بیشترین تمرکز در حیطه کمتر از ۱۵ درصد و سپس ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته‌اند. در مقابل در بخش صنعت میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ و ۹۰ در حیطه‌های ۱۵ تا ۳۰ درصد و ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار گرفته‌اند که بیشترین تمرکز اشتغال آنان در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد بوده و هیچ استانی در این بخش، کمتر از ۱۵ درصد و بالاتر از ۴۵ درصد قرار نگرفته است.

در بخش خدمات میزان اشتغال زنان در سال ۸۵ و ۹۰ در حیطه‌های ۳۰ تا ۴۵ درصد و ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند اما بیشترین تمرکز اشتغال آنان در این دو حیطه مربوط به حیطه ۴۵ درصد به بالا بوده و هیچ استانی در این بخش، در دو حیطه کمتر از ۱۵ درصد و ۳۰ درصد قرار نگرفته است. در مقابل در بخش خدمات میزان اشتغال مردان در سال ۸۵ و ۹۰ در حیطه‌های ۳۰ تا ۴۵ درصد و ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند که بیشترین تمرکز اشتغال آنان در این دو حیطه مربوط به حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد بوده و هیچ استانی در این بخش، در دو حیطه کمتر از ۱۵ درصد و ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار نگرفته است.

میزان اشتغال مردان در بخش خصوصی در سال ۸۵ و ۹۰ در حیطه بالای ۴۵ درصد قرار دارند و هیچ یک از استان‌ها در حیطه کمتر از ۱۵ درصد، ۱۵ تا ۳۰ درصد و ۳۰ تا ۴۵ درصد قرار نگرفته-

اند. در مقابل میزان اشتغال زنان در بخش خصوصی در سال ۸۵ در اکثر استان‌ها در حیطه ۴۵ درصد به بالا هستند و فقط استان‌های خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد هستند و هیچ استانی در محدوده کمتر از ۱۵ درصد و ۱۵ تا ۳۰ درصد نیست. اما همین میزان مربوط به بخش خصوصی در زنان در سال ۹۰، همه استان‌ها در حیطه ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند.

میزان اشتغال مردان در بخش عمومی در سال ۸۵ و ۹۰ در اکثریت استان‌ها در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد قرار گرفته و در سال ۸۵ فقط چهار استان ایلام، بوشهر، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد؛ و در سال ۹۰ فقط شش استان آذربایجان غربی، خراسان رضوی، گلستان، گیلان، مازندران و همدان قرار گرفته‌اند. در مقابل میزان اشتغال زنان در بخش عمومی در سال ۸۵ در حیطه‌های ۱۵ تا ۳۰ درصد، ۳۰ تا ۴۵ درصد و بیشتر از ۴۵ درصد پراکنده شده‌اند و هیچ استانی در محدوده کمتر از ۱۵ درصد نیست. اما همین میزان مربوط به بخش عمومی در زنان در سال ۹۰، بیشتر استان‌ها در حیطه ۳۰ تا ۴۵ درصد، و هشت استان در حیطه ۱۵ تا ۳۰ درصد و دو استان خوزستان و مرکزی در حیطه ۴۵ درصد به بالا قرار گرفته‌اند و هیچ استانی در حیطه کمتر از ۱۵ درصد قرار نگرفته است.

بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که بین اشتغال و مشارکت زنان و مردان تفاوت‌ها و تمایزهایی برقرار است. باید دانست که اشتغال زنان مسئله‌ای بسیار با اهمیت و در عصر حاضر به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی زنان و اقتصاد خانواده به شمار می‌آید و در جامعه - ای که میزان فعالیت و مشارکت زنان افزایش یابد، باعث رفاه اجتماعی و بهبود یافتن کیفیت زندگی اقتصادی می‌شود. نهایتاً با رشد و افزایش زنان در کسب آموزش عالی، کاهش میزان باروری، رشد شهرنشینی و افزایش یافتن امکانات زندگی و اوقات فراغت باعث پیدایی تقاضای کار از سوی زنان می‌شود، ولی از طرفی به دلیل بالا بودن تقاضای کار از سوی مردان و نبود زیربنا در جهت اشتغال‌زایی، بسیاری از زنان به عنوان بیکار در جستجوی کار می‌شوند که در صورت ادامه پیدا کردن این روند نابرابری و تفاوت، شاهد بروز انواع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی خواهیم بود.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و غلامی، نجمه (۱۳۸۸)، «بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران»، *مجله مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان*، سال هفتم، شماره اول، صص ۵۴-۳۱.
- توسلی، افسانه و رفیعی خونانی، فاطمه (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل (کارمندان زن سازمان بیمه خدمات درمانی)»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال دوم، شماره دوم، صص ۳۳-۵.
- جزینی، نسرين (۱۳۸۰)، *بررسی موانع و مشکلات موجود در اشتغال زنان در بخش‌های دولتی*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی و مرکز امور مشارکت زنان.
- ذاکر، مهرزاد (۱۳۸۶)، «*اشتغال زنان و بازتعریف هرم قدرت در خانواده*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- رجبی، ماهرخ (۱۳۷۴)، «*تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستایی ۱۳۴۵-۶۵*»، در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، (جلد اول)، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه.
- زنجانی‌زاده، هما (۱۳۷۰)، «بررسی نظریات درباره نابرابری جنسی در بازار کار»، *مجله دانشکده و ادبیات*، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول، سال ۲۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۵۷)، «پژوهشی پیرامون اشتغال زن در تهران»، *نامه پژوهشکده*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۵۰-۳۵.
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷)، «*جامعه‌شناسی اشتغال زنان*»، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- شهریار، پرویز (۱۳۷۷)، *بررسی نگرش مردان به اشتغال زنان مورد مطالعه شهر شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- عباسیان، مجتبی؛ ابراهیم‌زاده اسمین، حسین؛ ناظریان، نورمحمد و یونس ایرندگانی (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۷۷-۱۴۷.
- عزتی، سعدالله (۱۳۸۷)، «زنان و اشتغال (وضعیت اشتغال، موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان ایلام)»، *علوم اجتماعی فرهنگ ایلام*، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۸۳-۷۳.
- فرجادی، غلامعلی و نعمت‌فلیحی (۱۳۷۷)، *پروژه نیروی انسانی، آموزش و بازار کار*، گزارش ششم، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹)، «*زنان در بازار کار ایران*»، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵)، «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره اول، صص ۴۲-۲۰.

- نشریات سرشماری عمومی نفوس و مسکن «۱۳۳۵»، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵ و ۹۰، **نتایج تفصیلی استان‌ها و شهرستان‌ها**، تهران: مرکز آمار ایران.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۳) «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، **پژوهش زنان**، دوره دوم، شماره اول، صص ۱۶۵-۱۷۸.
- ورزگر، شراره و عزیزی بابایی، مستانه (۱۳۷۶)، «بررسی میزان مشارکت نیروی کار زنان روستایی در تولید پنبه». مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، نشریه شماره سوم، صص ۲۵۷-۲۱۷.
- یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل (۱۳۸۶)، «بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵»، **مجله مطالعات زنان**، شماره سوم، صص ۳۲-۹.

- Anker. R (1998), **Gender and Jobs. Sex Segregation of Occupations in the World**. Geneva, Switzerland: International Labour Office (ILO).
- Anker. R. & Hein. C. (1985), "Pourquoiles Employeurs Desvilles du Tier Monde Preferent Engagerdes Hommes", **Revue International du Travail**, Vol. 124, No. 1, Janvier- Fevrier.
- Becker. G. s. (1957), **The Economic of Discrimination**, Chicago: University of Chicago Press.
- Calan, T. (1991), "Male- Female Wage Differentials in Ireland", **Economic and Social Review**, 23: 55-72.
- Clark, R.L. & R. Anker (1990), "Labor Force Participation Rates of Older Person, An International Comparison", **International Labour Review** 129.
- Farley. L. (1978), **Sexual Shakedown**, New York, Warner Books.
- ILO (2008), **Global Employment Trends Women**, http://www.ilo.org/global/About_the_ILO/Media_and_Public_information/Press_releases/Lang—en/WCMS_091102/index.Htm#1
- McPherson. M. (2005); Part- Time Work and Productivity: Trends and Initiatives, **A Life Course Approach**, P.1-36.